خبر

فرهنگ، عامل ماندگاری ایران‌زمین

سیدعباس صالحی در گردهمایی هنرمندان پیشکسوت که به‌مناسبت دوازدهمین سالروز تاسیس مؤسسه هنرمندان تشکیل شده بود، حضور پیدا کرد و خطاب به هنرمندان گفت: در آینده بیش از این یکدیگر را خواهیم دید و بیشتر شنونده دغدغه دوستان هنرمند خواهم بود. او اضافه کرد: ایران عزیز ما که عمر حیات تاریخی‌اش به چندین هزار سال می‌رسد، نه به مرزهای جغرافیایی‌اش و نه به قدرت و جمعیتش، ایران نبوده بلکه آنچه آن را، ایران زمین نگه داشته، فرهنگ این کشور است. صالحی افزود: وقتی چنین نگاهی به ایران و ایرانی بودن خود داریم، عزیزان هنرمند ما قلب کشورمان به‌شمار می‌آیند و همه وظیفه داریم به آنان خدمت کنیم. امیدوارم در دوره دومی که توفیق خدمت داریم، از تجربه دوره اول بهره ببریم و از ضعف‌های خود بکاهم و به نقاط قوت بیفزایم. در این مراسم از فریدون شهبازیان آهنگساز پیشگام و رهبر ارکستر، شفیع خالدی از هنرمندان پیشکسوت موسیقی کردستان، امیر صادقی شاهنامه‌پژوه و شاعر قدردانی شد. پایان‌بخش این مراسم هم اهدای تابلویی با حضور چهره‌هایی مانند عنایت بخشی، داریوش ارجمند، هوشنگ توکلی و... به وزیر فرهنگ بود. در این گردهمایی احمد مسجدجامعی و سیدمحمد حسینی وزیران پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز صالحی را همراهی کردند.



یادداشت

کیکاوس زیاری | گروه فرهنگی



فیلمی علیه دیکتاتوری جهان عرب

سارا شازلی، فیلمساز جوان مصری با دومین ساخته سینمایی‌اش «دختر تو» در کنار رویارویی با گذشته تلخ زندگی خود، بخش‌هایی از زندگی مردم این کشور عرب‌زبان شمال آفریقا تحت حاکمیت یک رژیم سرکوبگر و دیکتاتور را به نمایش می‌گذارد. این مستند اجتماعی هم‌اکنون در مراحل پایانی تولید بوده و قرار است برای اکران عمومی قبل از پایان سال جاری میلادی آماده شود. فیلمساز ۳۲ ساله مصری در رابطه با فیلمش گفته داستان آن تنها اختصاص به زندگی خانوادگی خود او ندارد و سرنوشت بسیاری از زنان و بقیه مردم کشور مصر در چند دهه اخیر را به نمایش می‌گذارد و قصد واکاوی آن را دارد.

داستان دختر تو بسیار شخصی اعلام شده و درباره تلاش‌های سارا شازلی برای کسب هویت اجتماعی و بیرون‌آمدن از زیر سایه نفوذ و شهرت مادر فیلمساز خود مارین خوری است. اهالی صنعت سینما از مارین خوری به‌عنوان یکی از پیشگامان فیلمسازی و تولید فیلم در مصر نام می‌برند. با این‌حال مستند دختر تو، چهره دیگری از این هنرمند سرشناس ارائه می‌کند. شازلی در فیلم خود نقبی به دوران کودکی‌اش زده و به تعریف زندگی سخت خود در خانه‌ای کوچک در حومه شهر قاهره می‌پردازد. زمانی که شازلی در حال بزرگ‌شدن بود، مادرش غیبتی طولانی و تاثیرگذار در خانه داشت و سارای کوچک توسط دایه‌ای بزرگ شد که با وجود محبت بی‌دریغ به دختر خردسال، هیچ‌وقت نتوانست جای مادرش را بگیرد.



شازلی می‌گوید دختر تو هم مثل اولین ساخته سینمایی‌اش «بازگشت به خانه»، داستانی عمومی را به تصویر می‌کشد که تنها به او اختصاص ندارد و بسیاری از مردم جامعه را در بر می‌گیرد. او در ادامه می‌گوید: «فیلم اولم به بیان رابطه من با پدرم می‌پرداخت. او را هم مثل مادرم بسیار کم می‌دیدم و جای خالی‌اش را کاملا در خانه حس می‌کردم. زمان ساخت بازگشت به خانه در دوران کرونا و قرنطینه بودیم و این موضوع، کار ساخت فیلم را از نظر احساسی و عاطفی برایم مشکل‌تر می‌کرد. کووید-۱۹ راه‌های ارتباط با بستگان و فامیل را بسته بود و همه مجبور به گوشه‌نشینی شده بودیم. این اوضاع و شرایط، مرا به یاد زندگی خودم در تمام این سال‌ها می‌انداخت.»

فیلمساز با اشاره به خانوادگی بودن داستان مستندهایش، به این نکته مهم اشاره می‌کند که خانه و خانواده در جامعه عرب و کشورهای در حال رشد، از اهمیت خاص و ویژه‌ای برخوردار است و ادامه می‌دهد: «برخلاف سیستم جوامع غربی که زندگی آدم‌ها عموما سرد و خشک است، جوامع ما از موهبت بودن آدم‌ها در کنار یکدیگر برخوردار است و آدم‌ها روابط گرم خانوادگی و سنتی دارند. من با تعریف داستان زندگی‌ام روی پرده تلاش دارم غیبت پدر و مادر و مشکلاتی را که از این موضوع ناشی می‌شود به تصویر بکشم و به تماشاگران یادآوری کنم که خانه و خانواده و والدین در درجه اول اهمیت قرار دارند و نباید از این موضوع غافل باشیم. درعین‌حال و با وجود آن‌که فیلم‌هایم را آثاری سیاسی ارزیابی نمی‌کنم، نمی‌توانم این نکته را کتمان کنم که این داستان‌ها در دل جامعه‌ای رخ می‌دهد که سال‌ها تحت تاثیر دیکتاتوری‌های گوناگون بوده و زندگی مردم عادی با تلاش برای تغییر سیاست‌های غلط و خلق یک دولت دموکرات و مردمی همراه بوده است.»

کارزار؛ راوی نجابت و ایستادگی زنان

فیلم کارزار شهرام اسدزاده با ورق‌زدن لایه‌های اجتماعی، نقش زنان به‌عنوان محور خانواده را با نگاهی امیدبخش نشان می‌دهد



نسرین بختیاری
گروه فرهنگ و هنر

این روزها فیلم «کارزار» به کارگردانی شهرام اسدزاده در جدال اکران با کمدی‌هایی که گیشه را تسخیر کرده‌اند، قرار گرفته است. شهرام اسدزاده جزو کارگردانانی است که به بیان قصه‌های اجتماعی چندلایه و موازی علاقه‌مند است و نمونه این شکل از کار را در فیلم‌های قبلی او از قبیل «طاقباز» و «بی‌خوابی اسب‌ها» هم دیده‌ایم. اسدزاده در کارزار ایستادگی و مقاومت زنی را نشان می‌دهد که شوهرش بر اثر قمار بی‌اندازه زندگی‌اش را باخته است. به بهانه اکران این فیلم با این کارگردان به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

چه شد که نام فیلم از «گواهی امضا» به کارزار تغییر کرد و آیا این تغییر روی داستان اصلی تأثیر گذاشت یا خیر؟

هر شخصی بخواهد احراز هویت کند، باید گواهی امضا بگیرد و به همین دلیل اسم اولیه فیلم بود، اما در دو فیلم «بدون تاریخ، بدون امضا» و «گواهی امضا» امیر آقایی بازی کرده بود و این تشابه نام باعث می‌شد دیگران به اشتباه بیفتند که آیا این فیلم را دیده‌اند یا خیر؛ بنابراین با وزارت ارشاد صحبت کردیم و چند اسم دادیم و سیروس الوند به‌عنوان مشاور پروژه نام کارزار را انتخاب کرد که چند معنی دارد. یک معنی کارزار، تقابل و رویارویی است. معنی دیگر این است که می‌گویند کار طرف زار است و معنی سوم زار نیز به ترکی تاس می‌شود. این تغییر نام در روند قصه اصلی هم تغییری ایجاد نکرد.

به نظر می‌رسد قصد داشتید این فضای اجتماعی را در قالب «کارزار» که پیامدهای قماربازی را نشان می‌دهد، روایت کنید. با توجه به این‌که نویسنده این فیلم هم بودید؛ چه ویژگی یا دغدغه‌ای موجب شد که به سمت این داستان بروید؟

قمار در این فیلم یک بهانه است و به نظرم قمار تنها نشستن دور یک میز و بازی‌کردن نیست و شامل ریسک‌هایی که هر یک از اعضای خانواده بدون پشتوانه انجام می‌دهند، هم می‌شود. انگار بعضی منتظرند که چیز رایگانی مثل بخت‌آزمایی و جایزه به دست بیاورند و همه اینها از یک خانواده هستند، اما مکر و حیله در بعضی روابط و جوامع وجود دارد که باعث تنبل‌شدن آدم‌ها می‌شود. همین امر موجب می‌شود آدم‌ها پیش خودشان فکر کنند که بروند و ریسک کنند تا شاید چیز رایگانی به دست بیاورند. در واقع نه این‌که به قمار نپرداخته باشم، پرداخته‌ام و شغل شخصیت اصلی داستان اعتیاد به قمار است، اما تمرکزم بیشتر روی شخصیت زنی است که از سوی جامعه و خانواده‌اش آسیب می‌بیند، اما با تدبیر، صبر و نجابت زندگی را نگه می‌دارد؛ یعنی قصد داشتم شجاعت و ازخودگذشتگی زن ایرانی را در جامعه ملتهب ایرانی نشان دهم. از سویی دیگر این فیلم هشداری برای قماربازان است که انتهای این ماجرا به کجا ختم خواهد شد. در بسیاری از موارد دیده و شنیده‌ام که هم خانم‌ها و هم آقایان در سطح شهر قمارهای سنگین انجام می‌دهند و گاهی افراد یک‌شبه زندگی‌شان را از دست می‌دهند. آدم‌ها وقتی بار اول به شکل ناچیزی برنده می‌شوند، طمع می‌کنند و با تکرار این ماجرا به آن معتاد می‌شوند و هستی خود را از دست می‌دهند. به‌هرحال، شرایط ملتهب موجب می‌شود آدم‌ها در موقعیت‌های مختلف تصمیمات اشتباهی بگیرند. بخشی از این‌که شخصیت قصه سر میز قمار می‌نشیند، به‌دلیل نبود ثبات اقتصادی است. جمله‌ای هم در فیلم در این رابطه داریم؛ «بچه ۲۰ ساله از خارج جنس می‌آورد و به اندازه ۱۰ مغازه در بازار سود می‌کند. این اقتصاد نیست، جنگه!» بنابراین، وقتی اقتصاد مدیریت نشود، به تک‌تک مردم جامعه رسوب می‌کند و به‌تدریج به سمت رفتارهای پرخطر و پرریسک می‌روند.

چه مابه‌ازایی برای این داستان دیدید که قصه خود را بر آن استوار کردید؟

همه فکر می‌کنند شاید من شخصیتی قمارباز را دیدم که چنین بلایی سرش آمده، اما اصلا این‌گونه نیست و همان‌طور که گفتم جوهره اصلی قصه نجابت و ایستادگی یک زن در خانواده است که می‌تواند در چنین جامعه ملتهبی گلیم خود را از آب بیرون بکشد. محور بحث‌های مطرح‌شده در بیشتر فیلم‌هایی که ساختم، خانواده است و این امکان وجود داشت که شخصیت اصلی مرد مشاغل مختلفی داشته باشد. به‌هرحال، پیام مثبت کارزار این است که هرکس آن را ببیند، دیگر نمی‌تواند به قمار ادامه دهد، حتی نگاه امیدوارانه‌ای را هم دنبال کردیم که همیشه راه برای بازگشت باز است و نهاد خانواده همیشه امیدبخش است.

ساختار این فیلم دایره‌ای، چندلایه و موازی است که از اول پایان داستان را می‌بینیم. چرا از ابتدا دنبال یک قصه سرراست نرفتید؟

بیشتر فیلم‌هایی که کار کردم، همین سبک روایی را داشته‌اند؛ یعنی هیچ‌کدام ساختار خطی نداشته‌اند و به این دلیل است که این سبک روایی چندلایه را نسبت به ساختار سه‌پرده‌ای کلاسیک بیشتر دوست دارم. در همین قصه کارزار اگر داستان جوانان را حذف کنیم، قصه شخصیت اصلی با بازی امیر آقایی و نسیم ادبی خطی می‌شد، اما به نظرم ادغام این داستان‌ها برای مخاطب جذاب‌تر است. به طور کلی، با نشان دادن صحنه‌های شوک‌برانگیز که مخاطب پیگیر ماجرا شود، نمی‌خواهم مخاطب را فریب دهم، بلکه قصه‌ای وجود دارد که باصبوری مخاطب متوجه اصل ماجرا خواهیم شد. اصلا شاید در بخش‌هایی قلم بچرخد و متفاوت با آنچه در طرح اولیه نوشته‌ام خلق شود.

> **پیام مثبت کارزار این است که هرکس آن را ببیند، دیگر نمی‌تواند به قمار ادامه دهد، حتی نگاه امیدوارانه‌ای را هم دنبال کردیم که همیشه راه برای بازگشت باز است و نهاد خانواده همیشه امیدبخش است**

چقدر در ایجاد این فضای داستانی، تدوین به شما کمک کرده است؟

به نظرم تدوین از داخل فیلمنامه شروع شده، اما هنری که تدوینگر به کار برده در ایجاد فضایی که می‌خواستم روی روند قصه تأثیر زیادی گذاشته است. به عبارتی، فیلم به قدری روان است که مخاطبان از دیدن آن خسته نمی‌شوند، اما باز هم اگر ایرادی باشد، می‌پذیریم، چون سینما محصول جمعی با امضای فردی کارگردان است.

در بیشتر فیلم‌هایی که شما ساختید عنصر امید دیده می‌شود. به نظر شما سینما باید امید را در دل مخاطبان زنده نگه دارد یا صرفا مسئولیت بیان بخشی از حقایق را به عهده دارد؟

اگر امید نباشد که اصلا زندگی جاری نمی‌شود؛ همه آدم‌ها به امید زنده‌اند. اگر مشکلی هم در خانواده وجود داشته باشد، ذات ایرانی‌ها به گونه‌ای است که مهربان هستند و به یکدیگر دلداری می‌دهند. در واقع، حرف خانواده برای ما در اولویت است. همان‌طور گفتید در فیلم‌های من همیشه امید وجود دارد، اما این هشدار را هم می‌دهم که امکان دارد چیزی که تصور می‌کنیم، اتفاق نیفتد و چیزی پیش بیاید که ما برایش برنامه‌ای نداریم.

در آثار قبلی شما نسیم ادبی و نادر فلاح در فیلم طاقباز حضور داشتند و در کارزار هم بازی می‌کنند. اول این‌که چطور شد تصمیم گرفتید دوباره با این بازیگران کار کنید و دوم این‌که چطور زمینه اولین همکاری با امیر آقایی فراهم شد.

دلیل انتخاب نادر فلاح و نسیم ادبی بیشتر به شایستگی این شخصیت‌ها، توانایی و هنرشان برای ایفای نقش برمی‌گردد. انتخاب علیرضا استادی بر اساس صحبتی که باهم داشتیم، همین شخصیت بود و به‌خوبی باهم کار کردیم. روی امیر آقایی هم بحثی نیست که همیشه حضورش به فیلم کمک می‌کند. هر دوی این شخصیت‌های امیر آقایی و علیرضا استادی آمادگی ارتکاب خطا و اشتباه را دارند، اما در آخر تمام شخصیت‌های ما از کاری که انجام دادند، پشیمان می‌شوند. همیشه یکی از نشانه‌ها و امضاهای فیلم‌هایی که می‌سازم، حضور پیشکسوتان در فیلمم است. مرحوم سیامک اطلسی یکی از شریف‌ترین و منظم‌ترین و حرفه‌ای‌ترین شخصیت‌هایی بود که با او کار کرده بودم. متأسفانه به دلیل کرونا در چرخه اکران فیلم وقفه افتاد و یک سال هم طول کشید تا بتوانیم پروانه نمایش دریافت کنیم و ایشان فوت شد و قسمت نشد فیلم را روی پرده ببینند.

چه چالش‌هایی در فرآیند تولید کارزار داشتید؟

سرمای محله تجریش، فقدان بودجه و این‌که هر بازیگر سر یک کار بود، از جمله مهم‌ترین چالش‌های ما بود. به دلیل سرپروژه بودن، شرایط کار سخت بود و حتی خانم ادبی در میانه فیلمبرداری مجبور شد سفری به آلمان داشته باشد. اما حسن کار به این بود که تعدادی از بازیگران جدید را با این فیلم وارد سینما کردم. در کارهایی که انجام می‌دهم چهار بخش را در نظر می‌گیرم؛ اول پیشکسوتان که دستبوسشان هستم؛ بازیگران حرفه‌ای، بازیگران تئاتر و بازیگران جدید. در خصوص فیلم‌های اجتماعی از لحاظ حمایتی کم‌کاری زیاد اتفاق افتاده و مراکز تجاری خصوصی از فیلم‌هایی مثل کارزار حمایت نمی‌کنند.





برش

مرگ خاموش ژانرهای سینما

اسدزاده در پاسخ به این پرسش جام جم که چه راهکاری برای بهبود فروش و مخاطب فیلم‌های اجتماعی به نظرش می‌رسد، گفت: جدول اکران سازمان سینمایی باید به شکل متنوع چیده شود و برخورد نسبت به فیلم‌های اجتماعی منصفانه‌تر باشد، حتی معتقدم فیلم‌های کمدی هم نباید با یکدیگر تا این اندازه رقابت داشته باشند. من به صاحبان سالن سینما حق می‌دهم و مشکلی با فیلم کمدی طنز ندارم، اما شکل اکران فیلم‌ها می‌توانست با درایت، برنامه‌ریزی و مدیریت بیشتری باشد تا افرادی مانند من که با سرمایه شخصی وارد شدند، از ادامه کار پشیمان نشوند. حتی ما یک بلیت هم نتوانستیم از جایی برای فیلم بگیریم تا از کار حمایت شود. در واقع این روش تقسیم بندی ناتراز برای فیلم‌های ژانرهای مختلف عادلانه نیست و هشدار می‌دهم که سینما در حال تک‌بعدی شدن است و این یعنی مرگ خاموش ژانرهای دیگر سینما.

قاب

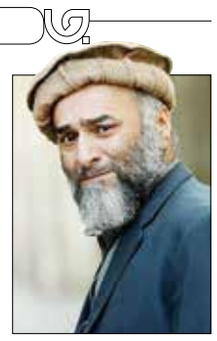
مستند «حبیب آقا» رونمایی می‌شود

فیلم مستند «حبیب آقا» به کارگردانی حمیدرضا بنایی همزمان با هفته دفاع‌مقدس رونمایی می‌شود. مستند حبیب آقا که در ۳۳ دقیقه از سوی معاونت فرهنگی و هنری بسیج دانشجویی تولید شده، به بررسی شخصیت علمی، فرهنگی و سیاسی حبیبا... افتخاریان دانشجوی شهید اهل بهشهر و همچنین مسأله مهاجرت می‌پردازد. حبیبا... افتخاریان سال‌ها بعد به شهادت می‌رسد و در سال ۱۴۰۲ به عنوان شهید سال دانشجویی کشور معرفی می‌شود تا دانشجویان با گوشه‌هایی از زندگی و زمانه وی آشنا شوند.



اکران

«گوشواره‌های گیلاس» به سینماها می‌آید



فیلم سینمایی «گوشواره‌های گیلاس» به کارگردانی وحید شیخ‌زاده و تهیه‌کنندگی امیر دهبان پس از سه سال به‌زودی روی پرده خواهد رفت. گوشواره‌های گیلاس به نویسندگی فاطیما اباحمزه مضمونی اجتماعی دارد و داستان دختری افغان با نام شمیلا را روایت می‌کند که همراه با پدرش در یک مرکز جمع‌آوری زباله در خارج از شهر مشغول به کار هستند. در این مرکز اتفاقاتی برای شمیلا رخ می‌دهد که زندگی وی را دچار اتفاقات ناگواری می‌کند... . گفتنی است نخستین اکران این فیلم در نمایشی خصوصی با حضور بازیگران، عوامل و چند مهمان ویژه در پردیس سینمایی مگامال برگزار شد و وحید شیخ‌زاده کارگردان اثر در این مراسم درباره فیلم گفت: گوشواره‌های گیلاس در سال ۱۴۰۰ فیلمبرداری شد و شرایط تولید به‌شدت دشواری داشت. در فیلم نشانه‌ای از ماسک و ویروس کرونا وجود ندارد اما فیلمبرداری در سخت‌ترین روزهای شیوع این بیماری انجام شد. البته که این اتفاق بدون همراهی یک تیم حرفه‌ای و همراه ممکن نبود و خوشحالم که فیلم پس از سه سال قرار است در گروه هنر و تجربه به نمایش درآید.

سینمای حقیقت

«در جستجوی فانوس خیال» مستندی برای اهالی سینما



مستند «در جستجوی فانوس خیال» ساخته شروین منیعی همزمان با برگزاری مهر سینمای ایران در تمامی استان‌ها برای دانشجویان این رشته اکران می‌شود. این مستند که به دغدغه‌های دانشجویان رشته سینما و مسیر پرفراز و نشیب هنر هفتم می‌پردازد، سال گذشته عنوان مستند برتر سال را کسب کرد. در مهر سینما ایران فرصتی فراهم آمد تا این مستند این بار برای اهالی سینما و دانشجویان این رشته اکران شود. شروین منیعی، تهیه‌کننده و کارگردان فیلم مستند در جستجوی فانوس خیال درباره این اثر عنوان کرد: فیلم مستند در جستجوی فانوس خیال در وهله اول با محور قرار دادن نظرات و تجربیات دانشجویان رشته سینما در دانشگاه‌های مختلف، طی سه سال متوالی به بررسی واقعیت‌ها، چالش‌ها و فرصت‌های تحصیل در این رشته می‌پردازد. مهر سینما ایران از ۲۱ شهریور تا ۱۲ مهرماه در تمامی استان‌ها برگزار می‌شود و فرصتی است برای تجلیل از فعالان سینما و پیشکسوتان این عرصه. فانوس مستند در جستجوی فانوس خیال از روز گذشته روشن و تا دوازدهم مهرماه در دانشگاه‌ها ادامه دارد.